

دومین مصاحبه مطبوعاتی جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

۱۳۵۷/۴/۲۰

آقایان و دوستان عزیز

قریب هفت ماه از تاریخ تاسیس جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر و پنج ماه از اولین مصاحبه ما با شما نمایندگان مطبوعات و خبرگزاریها که در تاریخ ۱۳۵۶/۱۰/۲۲ صورت گرفته بود میگذرد.

کمیته اجرائی جمعیت مایل بود تجدید دیدار و گفتار با آقایان بعمل آمده از قدمتان وانعکاسش که از تاسیس جمعیت و خواسته های ما در مطبوعات و موسسات خودتان دارید صمیمانه تشکر نمایم.

امروز اگر ملت ایران محروم از ابتدائی ترین حقوق بشری و آزادیهای قانونی و روابط حکومت دموکراسی میباشد و در زیر ضربات جانفرسای پلیس و نیروهای جنگی نظام استبدادی دست و پا میزند، خوشحالیم که فریادهای ناله و اعتراض تا حدودی بگوش مردم دنیا میرسد و چندی است با حضور نمایندگان مقیم بعضی از خبرگزاریها و مسافرت و مشاهدات نمایندگان اعزامی توجه سرشاری از ناحیه دنیای غرب بجریانهای مملکت ما بعمل می آید و همدردها و همصدائی در آنطرف مرزها پیدا کرده ایم.

همانطور که میدانید و میشنوید تبلیغات دولتی ما دائماً صحبت از گسترش فضای آزاد، رعایت بیشتر حقوق بشر و اعطای آزادیهای انتقاد و اجتماع مینماید (که خود اقرار صریح به جرم سنگین در گذشته میباشد) و به نقل قول از شما خبر از تماس هائی با مخالفین و توافقهائی با جناحهای میانه رو میدهد و اضافه میکند که اختلافات و اعتراضها و اغتشاشها خاتمه یافته است.

ما فکر کردیم شاید آقایان علاقمند باشید حقیقت این جریانها را بدانید و از زبان جمعیت اخبار مستقیم و صحیحی از ما وقع و از نظریات مردم بشنوند و گزارشفعالیتهای کمیته را بگیرد. بنابر این اقدام به دعوت آقایان باری مصاحبه بمطبوعات ی امروز نمودیم و مجدداً از قبول زحمت و لطفتان تشکر می نمایم.

* * *

محتاج بگفتن نیست که در این مدت نیمسال نه ملت ایران راحت و آرام بوده است و نه جمعیت ساکت و بیکار نشسته و از آنچه در امکانش بوده خودداری کرده است، در حالیکه هیئت حاکمه ضمن تکرار ادعای رعایت قانونی و دموکراسی و حقوق بشری بی اعتنائی کامل خود را به اظهارات و اعتراضات و خواسته های مردم و جمعیت ادامه داده و صرف نظر از بعضی اغماض ها هر دم بر خفقان و خشونت افزوده است.

* * *

با اجازه آقایان فهرست وار به پاره ای از موارد فوق و رفتاری که با طبقات مختلف ملت شده است اشاره مینمایم تا شخصاً قضاوت فرمائید.

البته توضیحات بیشتر در جواب سئوالات داده خواهد شد و اگر مایل باشید مدارک و رونوشتهای مربوط را در اختیارتان میگذاریم.

موارد و طبقاتی که اشاره خواهیم کرد بشرح ذیل خلاصه میشود.

(الف) رفتار با دانشجویان و نسل جوان مملکت و وضع محیط های دانشگاهی

(ب) رفتار نسبت به روحانیت و حوزه های دینی و اماکن اسلامی

(ج) رفتار با بازاریها، وکلا، نویسندگان و مردم عادی

(د) وضع زندانها و روش دستگیریها و دادرسی

ه) مسئله آزادی بیان و قلم و اجتماعات و احزاب سیاسی

الف) رفتار با دانشجویان و نسل جوان مملکت و وضع محیط های دانشگاهی

روشنفکران و نسل جوان دانشجوی ایران با حساسیت خاص و بینشی که دارند بیشتر از طبقات دیگر از دیر زمان علیه نظام استبدادی موجود به اعتراض و انزجار برخاسته اند و بیش از سایر طبقات نیز، علیرغم نو نهالی و عزت و ارزشی که دارند، هدف کینه توزی و انتقام دستگاه بوده در معرض حملات وحشیانه پلیس و گاردهای مسلح مخصوص قرار گرفته کشته و مصدوم و مجروح و زندانی داده اند و میدهند، ضمن آنکه نا آرامی و سرسختی شان در افزایش است.

جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر که مانند بسیاری از مردم دیگر شاهد صحنه های دلخراش دیافت کننده گزارشها و شکایات تکان دهنده بوده است نامه های اطلاع و اعتراض چند برای مقامات مسئول یا غیر مسئول ولی موثر و مقصر، ارسال داشته مصرأ خواستار رسیدگی و رفع این جنایات گردیده و رونوشت بعضی از آنها را برای سازمانهای بین المللی نیز فرستاده است. از جمله چهار فقره ذیل:

۱- در نامه مورخ ۱۳۵۶/۹/۱۲ به نخست وزیر چنین نوشتیم:

در اواخر آبانماه مامورین با چوب و چماق بکلاسهای درس دانشکده ادبیات حمله بردند و همه را از استاد و شاگرد بشدت مضروب ساختند.

در دانشگاه تهران کماندوها به اجتماع آرام دانشجویان که بمناسبت سالروز تعطیل کانون مذهبی حسینیه ارشاد منعقد شده بود حمله کرده دختر و پسر را بیرحمانه زدند و زخمی کردند

چند روز پیش در دانشگاه صنعتی آریامهر مامورین که معمولاً با لباس مبدل وارد معرکه میشوند استادان و دانشجویان را وحشیانه زدند و به کلانتری جلب کرده بعضی از آنان را از زن و مرد با معاونت حيله گرانه. . . به بیابانهای اطراف شهر بردند و در تاریکی شب تا سرحد مضروب ساختند. . .

۲- در نامه مورخ ۱۳۵۷/۲/۱۱ بعنوان اعلیحضرت چنین آمده است:

اعلیحضرت چه نامی. . . و چه عنوانی به حمله بیش از ۲۰۰ نفر جترباز با چماق و زنجیر بدست برای شکستن دست و پا، به دره انداختن و به زندان بردن دختران و پسران دانشجو میدهند که روز جمعه اول اردیبهشت ماه برای گردش به ارتفاعات شمال تهران رفته بودند؟ یا هجوم کماندوهای مامور دانشگاه تهران به شاگردان نشسته درس کلاسها یا ایستاده به نماز دانشکده ها. . . اینان مگر فرزندان دلبد ایران نیستند. . . آخر این چه مملکت، چه دولت و چه سلطنت است که در سایه آن نه دانشجو در مدرسه و خیابان و کوهستان از امنیت برخوردار است و نه. . . ؟^۱

۳- در نامه مورخ ۱۳۵۷/۴/۶ رونوشت شکوائیه ای را برای نخست وزیر فرستادیم که دانشجویان دانشگاه تهران بعنوان جمعیت نوشته خلاصه ای از مظالم وارده بر سر آنها را ذکر کرده دادخواهی و افشاگری به نزد مقامات بین المللی خواسته بودند.^۲

در این نامه اشاره به غارت متجاوز از ده هزار جلد کتاب، ممانعت از ورود دانشجویان به مسجد، هجومهای وحشیانه به کلاسها، ضرب و شتم دانشجویان و استادان، انحلال نیمسال درسی، قطع کمک هزینه های تحصیلی، فاجعه هولناک حمله قوای انتظامی به کوی دانشجویان و بی خانمان کردن سه هزار دانشجوی شهرستانی پس از ضرب و جرح حدود / ۳۵۰ دختر و پسر و شکستن و بستن کوی دانشگاه.^۳

۴- در تلگرام مورخ ۱۳۵۷/۳/۲۹ بعنوان دادستان شهرستان اصفهان^۴ نسبت به جریان دلخراشی که برای زندانیان سیاسی آن شهر و از جمله تعداد قابل ملاحظه ای از دانشجویان رخ داده بود اعتراض کردیم.

این زندانیان سیاسی جوان مورد حمله داخلی افراد زیادی از زندانیان عادی قرار گرفته بودند که از طرف مقامات زندان مامور و مجاز به حمل چاقو شده و بیش از ۷۰ نفر را شدیداً مجروح و مشرف به مرگ کرده بودند. بدون آنکه اقدامی برای پانسمان و معالجه آنها بشود.

۵- در بابلسر نیز پلیس و سربازان به دانشجویانی که در سال مرحوم دکتر علی شریعتی (۱۳۵/۳/۲۸) اجتماع و تظاهرات خیابانی کرده بودند حمله جنگی نموده تعدادی را مجروح میکنند و یک نفر کشته میشود.

* * *

عملیات سبعمانه گاردهای نیروی شاهنشاهی با دانشجویان دانشگاه های ایران که نمایش دهنده ناسازگاری عمیق نظام ارتجاعی حاکم با دانش و فرهنگ و نسل نوری میباشد بحدی رسیده است که در تاریخ ۱۳۵۷/۲/۲۲ استادان دانشگاه تبریز ضمن اعلام کتبی انزجار خویش اخطار کردند که تا خروج گارد از دانشگاه آذربادگان و تغییر رفتار دولت با دانشجویان از تدریس خودداری خواهند کرد. پس از آن استادان و هیئت های تعلیماتی موسسات آموزشی عالی دیگری نیز مراتب همدردی و همبستگی خود را منتشر ساخته اند از جمله استادان دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه صنعتی آریامهر، پلی تکنیک، و دانشکده پزشکی رازی.

تنها عکس العمل دولت این شد که برای حفظ نظم و امنیت انشگاهها به هیئت های امنای مربوطه استقلال و آزادی عمل دهد که گارد را مرخص کنند یا نگاهدارند، بدون آنکه از این رهگذر عملاً تغییر محسوسی پدیدار شده باشد.

در حال حاضر ضمن آنکه دولت تاسیس دانشگاههای تازه ای را عنوان مینماید و در تهران سمینار بین المللی روسای دانشگاهها را تشکیل می دهد، غالب دانشگاههای ایران در حال تعطیل رسمی یا عملی است و یا نیمه تعطیل میباشد و مقامات مسئول بعضی از ترم های درسی را منحل و موکول به نام نویسی یا افتتاح مجدد کرده اند.

ب) رفتار نسبت به روحانیت و یا حوزه های دینی و اماکن اسلامی

دومین طبقه مورد خصومت دستگاه که آماج حمله های انتقامجویانه شدید قرار گرفته است روحانیت شیعه و حوزه های تجمع و تدریس مومنین و طلاب علوم دینی میباشد.

مراجع بزرگ مذهبی که بنا به رسوم همه جای دنیا محترم میباشند و بنا به معتقدات و سنت مردم ایران مورد تجلیل بوده و بر طبق قوانین اساسی مملکت مقامات صحنه گذار روی قوانین مصوب هستند نه تنها مصون از جریان فوق نیستند بلکه در معرض ناشایسته ترین رفتار دستگاه و بیشزمانه ترین حملات بی سابقه در تاریخ ایران شده اند. رفتاری که رودر روئی خاص نظام حاکم را با خواسته های ملت نشان میدهد.

مطبوعات جهان از مقاله سراپا ناسزا و توهین بساحت ارجمند آیت الله العظمی خمینی که به اشاره ساواک در روزنامه تحت فرمان اطلاعات در تاریخ ۱۳۵۶/۱۰/۱۷ درج گردیده بود اطلاع حاصل کرده و دانسته اند که چگونه آن مقاله عامل انگیزش نفرت و خشم علما و سراسر مردم مسلمان ایران و موجب و مقدمه تظاهرات وسیع و فحایع خونین شهرهای قم و تبریز و جهرم و اهواز و مشهد و سایر جاها گردید.

دولت ایران پیشوای محترم و محبوب مسلمانان ایران را بعد از ۱۵ سال تبعید خلاف قانون هنوز دور از کشور و ممنوع از مراجعت نگاهداشته بردن نام و تجلیل و تظاهرات به افتخار ایشان را مدرک جرم و بهانه حمله و کشتن مردم میدانند.

کمیته اجرائی جمعیت نامه ای به تاریخ ۱۳۵۶/۱۰/۲۱ در اعتراض بدرج مقاله مزبور رفتار مامورین با مردم بی گناه قم بعنوان نخست وزیر نوشته مصراً خواستار معرفی و تعقیب نویسنده مقاله و محاکمه و مجازات عمال کشتار فاجعه قم گردید.

مطبوعات و مردم دنیا از اجتماعات سوگواری و اعتراض انبوه چهل روز به چهل روز مردم سراسر ایران که مواجه با ممانعت و دخالت مسلحانه پلیس و نیروهای انتظامی و ریختن خون دهها و صدها نفر مردم بی گناه بی دفاع شده است و وسیع ترین و شدید ترین آنها در تاریخ ۱۳۵۶/۱۱/۲۹ در شهر تبریز بوقوع پیوست، نیز اطلاع پیدا کرده اند.

روزنامه های تحت سانسور و تبلیغات دولت به جای آگاه ساختن افکار عمومی ایران و خارج از اجتماعات همگان و انعکاس دادن صادقانه امواج اعتراض و انزجار شهرها و بعوض عذرخواهی و خودداری از جنایات ارتكابی دست به پخش وسیع اخبار مجعول یا مبالغه ای از حملات اخلاک‌گرا متفرق به بعضی از موسسات اقتصادی و شکستن درب و پنجره ها زدند تا جریانات عظیم نارضایتی مردم و انقلاب علیه دولت را وارونه جلوه داده به بهانه حفظ نظم و امنیت مستمسک قانونی برای شدت عمل و خشونت های بیشتر بتراشد.

کمیته اجرائی در نامه مورخ ۱۳۵۷/۱/۱۵ بعنوان آقای نخست وزیر پرده از این نقشه برداشته اخطار و هشدار به دولت و ملت داد.

ورود پیشوایان دینی مورد احترام و اطاعت اکثریت مسلمانان ایران به صحنه مبارزات علیه حکومت استبدادی و عکس العمل های نابخردانه و خصمانه دولت علیه روحانیت و مردم منجر به بزرگترین تظاهرات تاریخ ایران بازاریبندان ۱۰ فروردین ۱۳۵۷ به مناسبت اربعین شهدای تبریز در پایتخت و شهرهای بزرگ و کوچک ایران گردید که روشنترین معرف افکار ملی و طبیعی تری رفرا ندیم همگانی علیه نظام حاکم باید تلقی شود.

کمیته اجرائی جمعیت این معنی را در نامه مورخ ۱۳۵۷/۲/۱۱ بعنوان اعلیحضرت صریحاً گوشزد نمود. دولت مجری فرامین اعلیحضرت نه تنها کوچکترین اعتراف به خطاهای خود. و کمترین انصراف از سیاست ضد آزادی و ضد حقوق بشری خود نمود بلکه با سرسختی و بیشرمی تمام در روزهای ۱۹ و ۲۰/۲/۱۳۵۷ مامورین انتظامی اعزامی خود را بلامقدمه و بی جهت وارد منازل مراجع بزرگ دینی قم آیات الله العظام گلپایگانی و شریعتمداری نموده اثاثیه و خانه ها را تخریب، اهل خانه و مراجعین و طلاب را وحشتزده و مضروب و دو نفر ار مقتول کرد!

کمیته اجرائی در برابر چنین جنایت باور نکردنی یک نامه همدردی و انزجار بتاریخ ۱۳۵۷/۲/۲۵ برای پیشوایان بزرگ تقلید ارسال داشت.

گذشته از رفتارهای ضد اسلامی و ضد انسانی و ضد قانونی فوق، مامورین انتظامی تقریباً کلیه خطبای دینی را که در مساجد و مراسم اخیر شهرها سخنگوی روحانیت و ملت بوده اند و همچنین تعدادی از پیش نمازان و روحانیون مبارز و روشنفکر را (جمعاً در حدود ۵۰ نفر) برخلاف قانون به شهرهای معمولاً بد آب و هوا و دور افتاده تبعید کرده است.^۱

۱۵ خرداد ماه ۱۳۵۷ مناسبت دیگری پیش آمد که اکثریت قریب باتفاق مردم ایران بیاد بود واقعه خونین پانزد سال قبل، یعنی اولین قیام روحانیت علیه نظام استبدادی به رهبری آیت الله خمینی که منجر به شهادت دسته جمعی هزاران نفر مردم شهر و دهات شده بود. بار دیگر نارضایتی عمیق و طرد نظام استبدادی حاکم را بصورت طبیعی ترین و قطعی ترین رفرا ندیم اعلام دارند.

دولت که پیش بینی تظاهرات بزرگی را برای آنروز مینمود تصمیم به مقابله شدید و کشتار بی دریغ گرفته بود کمیته اجرائی حقوق بشر همصدای با گروههای اسلامی و روحانی و ساسی برای خنثی کردن نقشه شوم دولت و ارائه وحدت نظر ملت در محکوم کردن نظام حاکم دعوت به تظاهرات مسالمت آمیز و اعتصاب آرام همگانی بصورت خانه نشینی کرد.

در آنروز سکوت باشکوهی در شهرهای بزرگ و کوچک سراسر کشور مانند یزد، قم، مشهد، اصفهان، ساوه، تبریز، زنجان، اردبیل، میانه، جهرم، کرمانشاه، شیراز، قزوین، و حتی دهات سایه انداخته بازارها و دکانها همه جا بسته و خلوتی پرمعنائی حکمفرما بود.^۲

ج) رفتار با بازاریها، وکلا، نویسندگان و مردم عادی

مردم بازار ایران و صاحبان مشاغل آزاد که تا حدودی خارج از اسارت استخدامی دولت بوده حالت آزادیخواهی و مبارز آشکار دارند و همانها هستند که تظاهرات ملی و اجتماعات بزرگ مجامع مذهبی را تشکیل داده و بازارها را می بندند، سومین طبقه مهم مملکت هستند که مورد کینه و آزار خاص نظام استبدادی قرار دارند.

تعداد زیادی از امضاء کنندگان اعلامیه های اعتراض و اعتصاب و تشکیل دهندگان مجالس فاتحه و چهلم بجرم واهی گرانفروشی یا تخلفات صنفی مورد تعقیب و مزاحمت اطاقهای اصناف (که زیر نظر و شعبه ای از ساواک است) قرار گرفته محروم از کسب و کار گردیدند. در بعضی از وزارتخانه ها نیز دستور اخراج از خدمات مشاوره ای یا ابلاغ مالیاتهای سنگین برای وکلای دادگستری و پزشکان آزادیخواه را صادر کردند و جلوی انتخابات داخلی کانون نویسندگان را گرفتند و همانطور که میدانید در خانه و در دفتر کار چند تن از موسسین جمعیت و ملیون بمب های انفجاری بعنوان اولین هشدار از طرف سازمانهای حزبی و ساواک کار گذاشتند.

بسیاری از مردم شرکت کننده در تظاهرات مسالمت آمیز چند ماه اخیر و حتی رهگذرهای خیابانها که مرتکب عمل مورد ایرادی نشده بودند بدون اخطار قبلی در معرض کتک، توقیف یا گلوله مامورین انتظامی رسمی و مخفی قرار گرفته اند در حالیکه مرجعی برای رسیدگی بشکایات و کیفر مقصرین وجود ندارد.

کمیته اجرائی در این زمینه نامه هائی چند به تاریخهای ۵۶/۹/۱۲، ۵۶/۱۰/۲۱، ۵۶/۱۱/۲۵، ۵۷/۱/۲۸ صادر نموده است.

د) وضع زندانها و روش دستگیریها و دادرسی

اجرای شکنجه و شرایط زندگی زندانیان سیاسی و همچنین بازداشتها و محاکمات که سال گذشته در اثر اقدامات مجامع بین المللی مانند صلیب سرخ، آملی ستی انترناسیونال و کمیته جهانی حقوق بشر تا حدودی بهبود پیدا کرده ظاهر سازی هائی رعایت میشد، در نیمه سال اخیر بازگشتهای محسوسی در آنها بوضع گذشته دیده شده و از جهاتی بدتر هم شده است. البته عفو و آزادی عده ای نیز درباره زندانیان سیاسی که محکومیت هایشن پایان نرسیده بوده و حاضر بدرخواست عفو یا تعهد همکاری با ساواک نشده اند بعمل نیامده است.

در تاریخ ۵۶/۱۲/۲۱ در زندان قصر تهران زندانیان سیاسی در اثر مشکلات غیرقابل تحمل ملاقات با خانواده ها، دریافت نامرتب روزنامه و کتاب، بهداشت و خوراک و سایر ضروریات اولیه زندگی و همچنین برای تجدید محاکمه خود در دادگاههای غیر نظامی دست به اعتصاب ملاقات و غذا زدند و چون مواجه با بی اعتنائی و بدرفتاری بیشتر شدند اعتصابها تا سه هفته ادامه پیدا کرد. در آن مدت مادران و پدران آنها که به مقامات نظامی و قضائی مراجعه میکردند با اهانت و اخراج و ضرب و جراحت روبرو میشدند و سرسختی و ستمگری مسئولین زندان زیادتر میشد.

از طرف کمیته اجرائی جمعیت اعتراض شدیدی در نامه مورخ ۱۳۵۶/۱۲/۲۸ بعنوان نخست وزیر بعمل آمد و از صلیب سرخ و عفو بین الملل درخواست اعزام نماینده شد تا آنکه با دخالت جدی عفو بین الملل در تاریخ ۵ آوریل ۱۹۷۸ (۱۳۵۷/۱/۱۶) و مراجعه به شخص شاه ارضای خاطر زندانیان و رفع اعتصاب غذا بعمل آمد.

* * *

بازداشتهای اجتماع کنندگان در تظاهرات و پخش کنندگان اعلامیه ها که مختصر تخفیف پیدا کرده و به دادگاههای عمومی مراجعه شده وکلای غیرنظامی میتوانستند در محاکمات علنی از آنها دفاع کنند، پس از اعلام تشدید عمل دولت که در اردیبهشت ماه ۱۳۵۷ (مه ۱۹۷۸) صورت گرفت وضع تازه ای پیدا کرده و مجدداً بسیاری از بازداشت شدگان تحویل کمیته های ساواک و دادگاههای نظامی میشوند و یا بدون محاکمه مدتها در زندان می مانند.

اعلیحضرت در آخرین مصاحبه رادیو و تلویزیونی در خرداد ماه صریحاً اعلام داشتند که فقط جرائمی از قبیل شیشه شکستن به محاکم دادگستری ارجاع میگردد. و اجرای ماده ۳۰۷ قانون کیفر ارتش کماکان بقوت خود باقی است. ناگفته پیداست که هر گونه جرم سیاسی بزعم ایشان بدادرسی ارتش ارجاع میشود. شکنجه بازداشت شدگان حتی بصورت تجاوز به جوانان در زندانهای کمیته و در کلانتریها در مشهد و اصفهان و مهاباد گزارش شده است و شکنجه گران کماکان مشغول خدمت میباشند. کمیته اجرائی برای اعتراض به هجوم بمنازل افراد آزادیخواه و بازداشتهای غیرقانونی و شکنجه و ارجاع پرونده ها بدادرسی ارتش نامه ای بتاريخ ۱۳۵۷/۳/۸ برای نخست وزیر فرستاد. در این نامه بلاجواب گذاردن کلیه نامه های گذشته را متذکر شده تقاضای ملاقات حضوری برای طرح خواسته های قانونی خود نمودیم.

سه هفته قبل معاونت نخست وزیری ضمن اظهار بی اطلاعی و عدم دریافت نامه های ارسال (که غالب آنها با پست سفارشی یا تلگرافی بوده است) از کمیته اجرائی خواسته اند نمایندگان خود را برای مذاکره با ایشان اعزام دارد. کمیته نیز طی نامه مورخ ۵۷/۳/۲۲ نمایندگانی برای ملاقات و مذاکره با آقای نخست وزیر معرفی کرده است ولی تا این تاریخ موفق بدریافت جواب و قرار ملاقات نشده است.

* * *

در زمینه کیفیت محاکمات متهمین سیاسی ایران و طرز عمل دادگاهها گزارشی بتاريخ ۲۸ فوریه ۱۹۷۸ از طرف عفو بین الملل به کمیته روابط بین الملل کنگره آمریکا داده شده است که شاهد روشنی از نوع مطالب بالا میباشد و یک رونوشت خدمت آقایان داده میشود.

ه) مسئله آزادی بیان و قلم و اجتماعات و احزاب سیاسی

مختصر آزادی قلم و بیان و اجتماع که از یکسال و نیم قبل در ظرف پنج شش ماهی بصورت محدود و مسدود در محوطه خانه ها و مساجد و باشگاههای خصوصی وجود داشت و اعلامیه های دستی کم و بیش مخفیانه منتشر میگردد از ژانویه ۱۹۷۸ (۵۶/۱۰/۱۲) و مسافرت رئیس جمهور آمریکا به ایران رفته رفته محدودتر و مشکل تر گردیده به سرحد ممنوعیت نزدیک میشود.

البته هیچگاه دولت نه به روزنامه های عمومی تحت سانسور خود اجازه درج نظریات و مقالات مخالفین را داده و میدهد و نه به مخالفین امتیاز روزنامه و مجله یا امکان افتتاح حزب و باشگاه را داده است.

سانسور طبع و نشر کتاب ها نیز که محتاج به اجازه و شماره مخصوص اداره نگارش نظارت فرهنگ و هنر (در حقیقت ساواک) است و عمل خلاف قانون میباشد کماکان ادامه دارد. همچنین قانون تشدید مجازات کیفر که مواد ۳۰۹ و ۳۱۰ آن تشکیل جمعیت های بیش از دو نفر را جرم و مشمول حبس ابد میداند به قوت خود باقی است و کتاب و نشریه که موجب تحریک شود محکومیت به حبس ابد میاورد و بدون آن ۱۲ سال.

* * *

اخیراً بعضی از نمایندگان مجلس متعلق به حزب رستاخیز شهادت پاره ای انتقادات و سئوال و استیضاح از دولت را پیدا کرده از حزب واحد استعفا داده و به احیای حزب سابق خود پرداخته اند یا صحبت از تشکیل حزب تازه ای مینمایند ولی سخنگوی دولت در اوایل تیر ماه مجدداً تاکید کرده است که یگانه حزب قانونی مملکت و راه انتخاب شدن در مجلس همان حزب رستاخیز است.

در خاتمه این نکته را لازم است متذکر شویم که برخلاف آنچه شایع است و از قول خبرگزاریهای خارجی نقل کرده و گفته اند که مذاکرات و تفاهم و توافقهائی با شخصیت‌های روحانی و سیاسی و با گروه‌های میانه رو بعمل آمده است ما چنین اطلاعی نداریم.

دولت تاکنون کمترین عذرخواهی و بازگشت از عملیات خلاف قانون و از سلب آزادیها و از فشار و کشتارهای خود نکرده و مامور خطاکاری را بمحاکمه و کیفر نکشیده است تا محل و موجبی لااقل برای شروع مذاکره و طرح تفاهم پیدا شده باشد، بلکه بالعکس، اظهارات و عملیات مقامات مسئول و غیرمسئول نشان داده است که علاقه و امکان برای سازش نظام استبدادی حاکم و فرماندهی خودکامه آن با حقوق و خواسته های ملت و با قوانین اساسی ایران وجود ندارد.

* * *

آقایان عزیز!

چنین است وضع آزادی و حقوق بشر که ملت ایران در سایه نظام حاضر از آن برخوردار است، وضعی که حضرت پرزیدنت کارتر در آستانه سال مسیحی اعلام نموده بود درباره آن نظریات مشترک با شاه ایران دارد.

مجدداً از قبول زحمت و پذیرفتن دعوت ما سپاسگزار میباشیم و امیدواریم با شنیدن و رساندن فریاد مردم زیر ستم و محروم از حقوق بشر ایران و خواستن آنچه حقیقت و حق است دامنه عدالت و صلح و برادری را در دنیاگسترده فرمائید.

هیئت اجرائی جمعیت ازانی دفاع از آزادی و حقوق بشر